



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۵/۲۹

داود ملکيار

در خواست توضیحی از جناب محترم جمیلی

اولتر از همه باید به عرض برسانم که با وجود نوشته های مکرر و طولانی جناب جمیلی صاحب که حاوی مطالب نا مربوط و پراکنده بوده اند، به اصل مطلب و منظور شان پی نبرده ام. لذا درین جا خواهان توضیح و توجه شان به نکات آتی می باشم:

محترم آقای جمیلی! از یک جانب شما ظاهراً با مهربانی میخواستید مرا نصیحت نمائید، و از جانب دیگر می خواهید با عتاب مرا از مطالب ناگفته ام، باز دارید و بر علاوه با استعمال کلمات تحقیر آمیز مانند: "تا توانستید کار دنیایی تانرا با یافتن و ساختن مقبره و شمشیر بازی ها و میت و کالبد شگافی های هر حضیره و ماوا و دوعا ها و پناه ها تمام کردید"، میخواستید نارضایتی تانرا از تجسس من برای پیدا کردن محل دفن (مخفیانه) مرحوم میوندوال بیان نمائید.

در جای دیگر بدون ارتباط به موضوع، نام پدرکلان مرحوم را ذکر میکنید و یا راجع به ارتباط "درجه سوم" من با مرحوم میوندوال چیزهایی می نویسد. اما طوریکه میدانید، من تا به حال، با احترام به سن و سال و آشنایی و مراودات دوستانه فی مابین، به جواب نوشته های نا مرتبط شما نپرداخته ام. اما این خاموشی من بدین معنی نیست که محتویات نوشته تانرا وارد و مستدل تشخیص داده ام، بلکه خواستم شما جواب خود را از خلال دیگر نوشته هایم دریابید. ولی بعد از نوشته سوم تان، لازم دیده شد تا با حفظ احترام به شما، اشاره داشته باشم به اظهارات و تبصره های گنگ و مغشوش تان طی سه هفته گذشته.

آقای جمیلی و دیگر خوانندگان محترم این سایت خوب میدانند که تا به حال در هیچ نوشته خود، هیچگونه کلمات دور از ادب و احترام، چه در مورد گذشتگان و مرحومین و چه در مورد حاضرین نگفته و نه نوشته ام. لذا فهمیده نتوانستم که تخریش و تشویش آقای جمیلی از چه ناحیه می باشد؟ آیا فکر میکنند که من تهمت هایی بر رفته گان خواهم بست؟ در آنصورت برای شان باید گفته شود که به حیث یک شخص با تجربه، چیزی را ناشنیده قضاوت پیش از وقت نکنید و به اصطلاح (آب را نایده، موزه را از پا نکشید). باید صبر داشته باشید و بعد از مطالعه مطالب من، هر آنچه به نظر شان دور از حقیقت می نماید، آنرا با ارائه شواهد، چلنج بدهند.

برای روشن شدن مطلب و نیت آقای جمیلی، درین جا با طرح چند سوال و تقاضای توضیح از آن محترم، میخوام خوانندگان گرامی را نیز به قضاوت دعوت نمایم، تا دریابند که عیب کار در کجاست؟ آیا نوشته های من نا مفهوم است و یا اینکه توقعات و تقاضای آقای جمیلی در پرده ابهام مستور است؟ آیا نوشته های من از

دایره انصاف خارج است و یا اینکه نوشته های تحقیر آمیز و مملو از عتاب و سرزنش توسط آقای جمیلی، دور از انصاف است؟؟

و باز از آقای جمیلی باید بپرسم که آیا کار تجسس من برای کشف محل دفن (مخفی) یک شخصیت محترم و مظلوم سیاسی مانند میوندوال، چه عیبی داشت که شما آنرا با مبالغه و بی احترامی "شمشیر بازی ها و کالبد شگافی های هر حضیره" می خوانید؟ و چرا کشف محل دفن خانواده داود خان به نظر تان "شمشیر بازی ها و کالبد شگافی های هر حضیره" نبود؟ آیا همه رفتگان و شهدای مظلوم، از کرامت انسانی مساویانه برخوردار نیستند؟؟ آیا اینگونه تبصره های سبکسرانه شما، بیانگر نظر و موقف تبعیضی شما نیست؟؟

آقای جمیلی! باز از شما می پرسم که به حیث یک دیپلمات با تجربه، چگونه به خود اجازه دادید که با مشاهده یک زن و شوهر (آقای ولید عثمان و محترمه هما عثمان) در مقابل یک سینما، به مسائل خانوادگی آن زوج تبصره نمائید و ازدواج سالها قبل آنان را، یک کار پلان شده از طرف خانواده محترم عثمان، برای غصب دارایی های داود خان، بشمارید؟ در حالیکه ازدواج آنان سالها قبل از سقوط طالبان و آمدن امریکایی ها صورت گرفته و در آن زمان، هیچ انگیزه برای غصب دارایی در ذهن کسی مطرح نبوده است. آیا این نوع مداخله بی مورد در امور شخصی افراد، شایسته یک دیپلمات با تجربه است؟؟

محترم آقای جمیلی! سوال دیگر اینکه اگر قرار است به خاطر مصلحت ها، حقایق کتمان گردد، پس چرا شما چند سال قبل، شرح داستان ملاقات داود خان با برژنف را که محترم آقای صمد غوث با آب و تاب نوشته بود، رد کردید؟ در حالیکه همه میدانیم، بعد از انتشار کتاب "سقوط افغانستان" توسط آقای غوث، قهرمان سازی ها و داستان های مبالغه آمیزی در مورد آن مذاکرات، در رسانه ها منتشر گردید که در اثر آن عقاید عمومی چنین شکل گرفته بود که بعد از اعتراض برژنف در مورد استخدام متخصصین غربی در افغانستان، داود خان او را مخاطب قرار داده و گفته بود که: (ما یک کشور کوچک و فقیر، اما مستقل استیم، و به شما اجازه نمی دهیم که در امور داخلی ما مداخله کنید و به ما دیکته نمائید). بعضی ها کمی پیشتر رفته و نوشتند که: (داود خان با مشقت بر میز کوبید و بعد از گفتن کلمات فوق الذکر، از میز برخاست و به طرف دروازه روان شد، و رهبران شوروی هم به دنبال او رفته و در مورد ملاقات بعدی از داود خان پرسیدند، داود خان با عصبانیت گفت که به ملاقات دیگر ضرورت نیست).

ولی شما آقای جمیلی، به خاطر اظهار واقعیت های عینی تان، به حیث یک شخص حاضر در آن مذاکرات، نوشتید که داود خان به حیث یک سیاستمدار با تجربه و مدبر، نه مشتی بر میز کوبید و نه مجلس را ترک کرد. بلکه با بسیار متانت گفت که ما به هیچ کشوری اجازه نمی دهیم که از خاک ما، بر ضد منافع ملی ما استفاده کند، چه امریکا باشد، چه جرمنی و چهو.....چه.....

گرچه این شرح مذاکرات با واقعیت و شخصیت داود خان سازگار تر به نظر میرسد، ولی بآنهم باعث مایوسی و آزرده گی خاطر بعضی از دوستداران داود خان گردید. در حالیکه شما به داود خان احترام زیادی داشتید و دارید، اما این حقیقت گویی شما در مورد آن مذاکرات، مورد تائید عده ای واقع نگردید. ولی طوریکه به شما معلوم است، من ضمن نوشته در همین سایت، برداشت و حکایت شما را در مورد آن مذاکرات، نزدیک تر به

واقعیت تشخیص دادم. لذا از شما توقع برده می شود که اکنون نیز ظوابط را بر روابط رجحان دهید و پرنسپب قبلی تان را در مورد بیان واقعیت، زیر پا نگذارید.

محترم آقای جمیلی! با قاطعیت به شما گفته می توانم که شرح وقایع دلخراش ارگ، در روز هفت و هشت ثور، به هیچ صورت بی احترامی به داؤد خان و اعضای خانواده مظلومش نیست. چون تحت آن شرایط دشوار ممکن است هرکدام ما دست به کار هایی بزنیم که در حالت عادی نمی زنیم، لذا منظور درین جا، ملامت کردن کسی نیست، بلکه شرح وقایع، با صداقت و امانتداری مطمح نظر است. اما نمیدانیم منظور شما ازین نوشته های مملو از سرزنش چیست؟

محترم آقای جمیلی! اینک بعد از گلایه ها و یاددهانی نکات فوق الذکر، برای تخلص موضوع این معروضه را با چند سوال از شما به پایان می رسانم:

اول: آیا شما فکر میکنید که نقل گفتار یک شاهد عینی، ساخته و پرداخته من است؟ اگر جواب این سوال مثبت باشد، در آن صورت شما را که در یک صد کیلومتری ما، در جنوب کلیرنیا موقعیت دارید، آسانتر از هرکس دیگر می توانم، شواهد دست داشته را بشنوانم و نشان دهم.

دوم: اگر فکر میکنید که گفتار شاهد عینی قرین واقعیت است، اما از بیان آن رضایت ندارید و مانند آقای کاظم می خواهید گفته نشود، در آنصورت بهتر است رک و پوست کنده مطلب تانرا بدون کتره و کنایه و سرزنش های تحقیر آمیز، بیان کنید و بگوئید که طرفدار شفافیت نیستید و باید این واقعیت ها مکتوم بمانند، تا دیده شود که نظر دیگر خوانندگان محترم در مورد این طرز دید شما چه می باشد.

امید است نکات فوق و توضیح روشن شما در زمینه، باعث رفع مایوسیت من از شما و نیز سبب روشن شدن مطلب و نیت شما گردد.

با عرض حرمت.

داؤد ملکیار